

این بیانیه چون مدرکی در خدمت متهم کردن ما به فعالیت فراکمیونی قرار خواهد گرفت. بویژه کارمندان که حاضر به همکاری هستند، این "ادیبان مکتب نوین جوانان" از آن استفاده خواهند کرد.

اما این نامه‌های علیه آنها هم هست. زیرا در میان آنان کسانی هستند که هنگام خطر اولین افرادی خواهند بود که آرمان پرولتری را رها کنند. ما با مدور این بیانیه، وظایف انقلابی خود و وظایف حزبی خود را، بدانگونه که همواره در صفوف بلشویک - لنینیستهای واقعی درک شده بوده، انجام میدهم.

زیر این بیانیه، طی مدت زمان کوتاهی، دهها امضاء از بلشویک‌های قدیمی جمع کرده‌ایم. ما حتی یک لحظه شک نداریم که دیگر بلشویک‌های قدیمی در سراسر شوروی و در خارج از کشور نیز که مضمون بیانیه، ما را بدانند، امضای خود را خواهند داد.

ما یک لحظه شک نمیکنیم که اکثریت حزب ما و بویژه بخش کارگری آن، در نقطه نظرات منعکس شده در این سند، سهیم‌اند. برای کسی که کارگران عضو حزب ما را میشناسند، این سند دلیلی است بر صحت آن.

این بیانیه به نگارش تروتمسکی، قبل از فرستاده شدنش به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ماه مه سال ۱۹۲۷، ابتدا توسط ۸۳ تن از فعالین و بعد توسط حدود ۳۰۰۰ نفر امضاء شده است. از جمله بلشویک‌های قدیمی زینوویف، تروتمسکی، پرشوپراژنسکی، رادک^{۹۲}، اسمیرنوف و اسمیلگا^{۹۳} آنرا امضاء نموده‌اند.

توضیحات و یادداشتهای بر

یلاتفرم ۷۶ نفر، بیانیه ۱۳ نفر، بیانیه ۸۳ نفر

در تنظیم این توضیحات، خصوصاً در مورد اطلاعات مربوط به افراد اما سا از این منابع استفاده کرده‌ام:

— دائره المعارف بزرگ شوروی، متن انگلیسی، چاپ ۱۹۸۳ (به اختصار G.S.E.) این دائره المعارف اصولاً نظر رسمی حزب و دولت شوروی را منعکس میکند.

— دائره المعارف بریتانیکا چاپ ۱۹۸۵ (به اختصار E.B.) بیشتر برای اطلاعات و فاکت‌های تاریخی مورد مشورت قرار گرفته است.

— "در دادگاه تاریخ"، روی مدودوف، ترجمه فارسی.

— توضیحات و پانویس‌های ناشر مجموعه آثار تروتسکی (به زبان انگلیسی).

منابع دیگر در خود متن مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

با بداندگان کنم که کار خیلی کمی در رابطه با این توضیحات صورت گرفته و همه منابع موجود به اندازه کافی مورد مطالعه و تحقیق قرار نگرفته‌اند و گرنه قطعاً ممکن بود که اطلاعات فعلی را تکمیل کرد و در مواردی که اطلاعی بدست نیامده است، اطلاعات حداقلی بدست آورد.

غ. کشاورز

- ۱ — (Chevronet) اسکناس‌های که به وسیله بانک دولتی اتحاد شوروی از سالهای ۴۴-۱۹۲۲ منتشر میشد.
ارزش هر جرونت معادل ۷/۷۲۲۲۲۲ گرم طلای خالص محسوب میشد و یک جرونت برابر ۱۰ روبل اسکناس رایج بحساب می‌آمد.
- ۲ — فرمهای پولی ۱۹۴۷ جرونت را با اسکناسهای روبل جدید جایگزین کرد.
- ۳ — (Gos Bank) — بانک دولتی اتحاد جماهیر شوروی
- ۴ — (A. Preobrazhensky) — (۱۸۸۶-۱۹۳۷) — از بلشویک‌های قدیمی و از رهبران و متفکرین برجسته حزب کمونیست روسیه و یکی از دبیران کمیته مرکزی این حزب در ۲۱-۱۹۲۰

بود. او از رهبران اپوزیسیون چپ ویکی از متفکران و متعصمان اقتصادی حزب بود و نوشته‌های اقتصادی مهمی از او منتشر شده است. در ۱۹۲۷ از حزب اخراج شد. در ۱۹۲۹ دوباره به حزب پذیرفته شد و مجدداً در ۱۹۳۱ از حزب اخراج شد. باز هم به حزب پذیرفته شد و برای آخرین بار در ۱۹۳۴ در کنگرهٔ هفدهم حزب کمونیست شوروی حضور یافت و در آنجا ضمن محکوم کردن تروتسکی از بائیت اعمال گذشته‌اش عذرخواهی کرد. در دوران تصفیه‌های بزرگ نیمهٔ دوم دههٔ ۳۰، در سال ۱۹۳۷ تیرباران گردید.

۴ - B. Breslav (۱۸۸۲ - ۱۹۲۳) - از اعضای قدیمی حزب بلشویک و در سال ۱۹۰۴ عضو کمیتهٔ پترزبورگ این حزب بود. بعد از انقلاب اکتبر عضو کمیتهٔ حزبی منطقهٔ پتروگراد و عضو کمیتهٔ اجرایی شورای کرونشتات بود. سپس مدتی در کمیته‌های حزبی مسکو و ویتسبک بود. مدتی در ارتش سرخ فعالیت سیاسی میکرد و بعداً در مقامات دولتی و عرصه‌های اقتصادی به‌کار پرداخت. مدتی به اپوزیسیون چپ پیوست. آنطور که در "G. S. E." نوشته شده است "از سال ۱۹۳۵ بر سلاو باز نشستگی فردی اختیار کرد... و در سال ۱۹۴۳ درگذشت."

۵ - (L. Serebryakov) (۱۸۹۰ - ۱۹۳۷) - از بلشویک‌های قدیمی و از رهبران انقلاب اکتبر و حزب بلشویک. در سال ۱۹۲۷ به خاطر عضویت در اپوزیسیون چپ از حزب اخراج شد. بعداً به حزب پذیرفته شد و سرانجام در جریان تصفیهٔ حزب بلشویک در نیمهٔ دوم دههٔ ۳۰ و بعداً از دومین سری محاکمات مسکو (که بسیاری از رهبران قدیمی حزب بلشویک را در آن محاکمه میکردند) تیرباران گردید.

۶ - (A. Beloborodov) (۱۸۹۱ - ۱۹۳۸) - از اعضای قدیمی حزب بلشویک که مسئولیت‌های حزبی، دولتی و نظامی متعددی به عهده داشت. در کنگرهٔ هشتم حزب به عضویت کمیته مرکزی و در کنگرهٔ نهم به عنوان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی انتخاب شد. بعداً مدتی نایب‌کمیسر خلق در امور داخلی بود. در اواسط دههٔ ۲۰ به اپوزیسیون چپ پیوست. بعداً از در هم‌کوبیده شدن اپوزیسیون از مواضع خود دست کشید و در مقامات دولتی به‌کار پرداخت. در ۱۹۳۸ از دنیا رفت.

۷ - (A. P. Rozengolts) (۱۸۸۹ - ۱۹۳۸) - از کمونیست‌های قدیمی روسیه که از ۱۹۰۵ به حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه پیوسته و به‌مثابهٔ عضوین حزب مسئولیت‌های متعددی به عهده داشت. بعداً از انقلاب اکتبر روزنگولتس مدتی به اپوزیسیون چپ پیوست اما در سال ۱۹۲۷ از مواضع خود دست کشید. در ۱۹۲۸ او کمیسار خلق در کنترل دولتی و در سال ۱۹۳۷ رئیس ادارهٔ کل ذخایر دولتی بود. اما در سال ۱۹۳۸ جاسز و متهمین دور سوم محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو بود و محکوم و تیرباران شد.

۸ - (M. Alsky) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۹. (Antonov Ovseenko) (۱۸۸۴ - ۱۹۳۸) - یکی از رهبران سازمان دهندگان اصلی انقلاب اکتبر، کسی که قیام را در پتروگراد طراحی کرده و رهبری عملیات تصرف کاخ زمستانی تزار را بعهده داشت. از ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۷ در اپوزیسیون چپ بود اما در ۱۹۲۸ اظهار ندامت کرد. در جریان جنگ داخلی اسپانیا اومدتی سرکنسول اتحاد شوروی در بارسلون بود.

آنتونوف قربانی شکست سیاست سازشکارانه و ضدپروولتری حزب کمونیست روسیه در جنگ داخلی اسپانیا و بعنوان مسئول این شکست معرفی و محکوم شد. مدودوف مینویسد:

"سرنوشت آنتونوف - اوسه نیکو آموزنده است. او عضو کمیته انقلابی نظامی بود و رهبری حمله به "کاخ زمستانی" را بعهده داشت. هم او بود که اعضای حکومت موقت را بازداشت کرده بود. بعدها در دوره جنگ داخلی، این قهرمان افسانه‌ای انقلاب اکتبر فرماندهی ارتش را در چند جبهه بعهده گرفت. از ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۷ او جزو اپوزیسیون تروتسکیست بود؛ ولی بعداً با تروتسکی کاملاً قطع رابطه کرد. دوباره مسئولیت‌های مهمی در ارتش و حکومت به او واگذار شد. و دست آخر، در سالهای ۲۷ - ۱۹۳۶ او را به اسپانیا فرستادند. در اوت ۱۹۳۷ به مسکو اعزام شدند و مدت یکماه بیکار بود. در ماه سپتامبر استالین او را به کرملین خواست تا درباره حوادث اسپانیا گفتگو کنند. پس از این گفتگو آنتونوف به کمیته ریای دادگستری جمهوری روسیه منصوب شد... هنوز چند هفته نگذشته بود که او را ناگهان توقیف و بلافاصله تیرباران کردند."

مدودوف در پانویس توضیح میدهد که یو.تومسکی، رفتارشان متأسفانه قهرمان اکتبر را طی بازجویی و قبل از اعدامش در "نوی میر" نوامبر ۱۹۶۴ شرح داده است. (در دادگاه تاریخ ترجمه فارسی، روی مدودوف ص ۷۵-۲۶۹)

۱۰. (A. Bendiktov) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۱۱. (I. N. Smirnov) (۱۸۸۱ - ۱۹۳۶) از بلشویک‌های قدیمی که در جریان انقلاب اکتبر و جنگ داخلی نقش قابل توجهی بازی کرد. از رهبران اپوزیسیون چپ بود که در سال ۱۹۲۷ از حزب اخراج شد و در سال ۱۹۲۹ از مواضع خود عقب‌نشسته و دوباره به حزب پذیرفته شد. پس از آن مشاغل حزبی مهمی در امور دولتی و حزبی به او سپرده شد. در سال ۱۹۳۳ بازداشت و زندانی شد. در ۱۹۳۶ بعد از اولین سری محاکمات مسکو محکوم و تیرباران شد.

۱۲. (Yu. Pyatakov) (۱۸۹۰ - ۱۹۳۷) - با نام مستعار کیفسکی، از بلشویک‌های قدیمی و از رهبران حزب کمونیست شوروی بود. در سال ۱۹۲۷ بجرم عضویت در اپوزیسیون چپ از حزب اخراج شد. پس از سرکوب اپوزیسیون از مواضع خود عقب‌نشسته

و دوباره مسئولیت‌های حزبی و دولتی به او محول شد. در جریان محاکمه رهبران قدیمی حزب بلشویک در دومین سری محاکمات مسکو محاکمه و تیرباران شد.

۱۳- V. Obolensky (Osinsky) - (؟ - ۱۸۸۷) - از بلشویک‌های قدیمی و از رهبران حزب بلشویک بود که پس از انقلاب اکتبر مسئولیت‌هایی از قبیل مدیریت بانک مرکزی روسیه، رئیس دادگاه عالی اقتصاد ملی، عضویت در هیئت تحریریه، پراودا، عضویت کمیته‌ریای مردمی برای مواد غذایی و ... بعهده داشت. در کنگره‌های ششم تا یازدهم و چهاردهم تا هفدهم حزب کمونیست روسیه به عنوان نماینده حضور داشت.

در سال‌های ۲۱ - ۱۹۲۰ نقش فعالی در تشکیل ورهبری گروه "سانترالیسم دمکراتیک" در درون حزب بلشویک ایفاء کرد. در بهران حزب کمونیست روسیه در اواسط دهه ۲۰ به اپوزیسیون چپ پیوسته و جزو رهبران آن محسوب می‌شد. مدتی به عنوان نماینده "تام‌الاختیار" دولت شوروی به سوئد فرستاده شد. بعد از سرکوب اپوزیسیون چپ، از مواضع خود عقب‌نشسته و مسئولیت‌های دولتی و حزبی بعهده گرفت. در "G.S.E." گفته شده است اوسینسکی در سال ۱۹۲۸ مرد. اما مدودوف، در کتاب خود نوشته است که اوسینسکی را در سال ۱۹۳۷ بازداشت و زندانی کردند و سرانجام "در سال ۱۹۴۱ پس از شروع جنگ بسونف، سوکولینکوف و اوسینسکی را به زندان اورلف انتقال دادند و در آنجا بی هیچ مقدمه و تشریفات تیرباران کردند." (مدودوف، همانجا، ص ۲۵۷)

۱۴- (N. Muratov) (۱۸۷۲-۱۹۳۷) - از رهبران حزب بلشویک و از فرماندهان نظامی ارتش سرخ، که بعد از دومین سری محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو به اتفاق عده دیگری از ژنرال‌های ارتش سرخ، محکوم و تیرباران شد.

۱۵- (T. Sapronov) (۱۸۸۷-۱۹۳۹) - از بلشویک‌های قدیمی و جزو بنیانگذاران گروه مرکزیت دمکراتیک بود. او در سال ۱۹۲۶ به جریان اپوزیسیون متعذرینووف-کامنف و تروتسکی پیوست. ساپرونوف همراه سایر رهبران اپوزیسیون چپ از حزب اخراج شد. طبق بندی از حکم پانزدهمین کنگره حزب کمونیست شوروی (دسامبر ۱۹۲۷) گروه "مرکزیت دمکراتیک" که ساپرونوف در رهبری آن فعالیت میکرد، به عنوان گروهی ضد انقلابی ارزیابی شد که اعضای آن باید از حزب اخراج شوند.

طبق مندرجات مقاله‌ای از تروتسکی تحت نام "دولت‌گاری، ترمیم‌دور و بنا پارتیسم" که در سال ۱۹۳۵ نوشته شده است "... و. ام. امیرنوف و ساپرونوف و دیگران [اعضای گروه سانترالیسم دمکراتیک] در تبعید توسط استالین بمرگ محکوم شدند..."

۱۶- (A. Goltsman) اطلاعاتی در مورد این نام بدست نیاوردیم. احتمال دارد که همان (E. Goltsman) باشد (و در چاپ و ترجمه اشتباهی رخ داده باشد). بهر رو توضیح مختصری در مورد E.G.؛ (۱۸۸۲-۱۹۳۶) - او از اعضای قدیمی حزب بلشویک بود.

بعد از انقلاب اکتبر با اپوزیسیون چپ فعالیت میکرد. در سال ۱۹۲۶ در حالیکه در بازداشت بسر میبرد متهم شد که در سال ۱۹۲۲ در کپنهاگ با لئون سدوف پسر تروتسکی ملاقات کرده تا دستور العمل تروتسکی در مورد قتل استالین و وروشیلوف را دریافت کند. البته حکومت شوروی نتوانست این امر را ثابت کند اما بهر حال گولتسمن محاکمه و به اعدام محکوم شد.

۱۷- (V. Maksimovsky) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۱۸- (D. Sosnovsky) اطلاعاتی در مورد این نام بدست نیاوردیم. احتمال دارد که Lev Semyanovich Sosnovsky باشد (و در چاپ یا ترجمه اشتباه رخ داده باشد) توضیح مختصری در مورد D.S. (۱۹۲۷-۱۸۸۶) - او یکی از روزنامه نگاران برجسته شوروی و عضو حزب کمونیست و فعالین اپوزیسیون چپ بود. سوسنوفسکی بدون آنکه در دادگاه محاکمه شود در ۱۹۳۷ در زندان کشته شد.

۱۹- (Danishevsky) اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم. تنها مددوف اسم او را جزو لیستی از "کادرهای ارزشمند کمیاریهای اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری روسیه" که در سال ۱۹۳۷-۳۸ بازداشت و محاکمه و اعدام شده اند ذکر کرده است (مددوف، متن قبلی، صفحه ۲۸۱)

۲۰- (D. Shmidel) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۲۱- (N. Vaganyan) - اطلاعاتی در مورد این نام بدست نیاوردیم. احتمال دارد که همان (Vagarshaker-Vaganyan) (۱۹۲۶-۱۸۹۳) باشد. او بلشویک قدیمی و از فعالان و رهبران تشکیلات حزب در ارمنستان و رهبران انقلاب شورایی در ارمنستان بود. کتابها و مقالات متعددی در مورد ساله ملی نوشت و اولین سردبیر نشریه "بزرگترین مارکسیسم" بود. از فعالین اپوزیسیون چپ بود و در سال ۱۹۲۷ و پس از درهم شکستن اپوزیسیون چپ، از مواضع خود عقب نشسته و به حزب پذیرفته شد، اما در سال ۱۹۳۳ تبعید شد. و بعد از اولین سری محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو محکوم و تیرباران شد.

۲۲- (I. Stukov) - از اعضای قدیمی حزب بلشویک و از فعالین اپوزیسیون چپ بوده است. نام او در لیست بازداشتیه های ۱۹۳۷، در کنار نام اوسپنکی بجرم فعالیت در اپوزیسیون کازگری، توسط مددوف نوشته شده است (مددوف، متن قبلی، صفحه ۲۷۰) اطلاعات بیشتری در مورد او بدست نیاوردیم.

۲۳- (A. Lobanov)

۲۴- (Rafail)

۲۵- (S. Vasilchenkov)

- ۲۶ - (Mikh. Zhakov) -
 ۲۷ - (A.M. Puzakov) -
 در مورد اسامی فوق اطلاعاتی بدست نیاوردیم.
- ۲۰ - (I. Bogoslavsky) - اطلاعاتی در مورد این نام بدست نیاوردیم. احتمال دارد که
 (M.S. Bogoslavsky) (۱۸۸۶ - ۱۹۲۷) باشد. او از اعضای قدیمی حزب بلشویک، از
 فعالین اپوزیسیون چپ و نیز از فرماندهان کاروان و متخصصین نظامی بوده است.
 در جریان انقلاب اکتبر و جنگ های داخلی در فرماندهی نظامی جبهه های متعددی فعال
 بود. مدودوف نوشته است که بوگوسلاووسکی یکی از ۱۷ نفر متهمینی بود که در سری دوم
 محاکمات رهبران سابق حزب بلشویک در مسکو در سال ۱۹۳۷، محاکمه شد. (رجوع
 کنید به پانویس ۴۱). بوگوسلاووسکی محکوم و تیرباران گردید.
- ۲۱ - (P. Mesyatsev) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.
 ۲۲ - (T. Khorechko) - ایضاً
- ۲۳ - (A. Bubnov) (؟ - ۱۸۸۲) - از اعضای قدیمی حزب کمونیست روسیه که در کنگره
 های چهارم و پنجم حزب شرکت داشت. در ۱۹۰۷ عضو کمیته مسکو حزب بود. در ۱۹۱۰
 به عضویت مرکزیت داخل روسیه منصوب شد.
 در کنفرانس ششم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه به عنوان عضو علی البدل کمیته
 مرکزی انتخاب شد. در کنگره ششم حزب به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد و نماینده
 کمیته مرکزی در کمیته پتروگراد بود. در نشست اکتبر ۱۹۱۷ به عضویت دفتر سیاسی و
 متعاقباً عضویت در کمیته رهبری انقلاب مسلحانه اکتبر برگزیده شد.
 بوبنف عضو کمیته انقلابی نظامی پتروگراد و کمیته راه آهن سراسری بود.
 بعد از کنگره دوم شوراها عضو کمیته اجرایی سراسری شورا های روسیه بود. در
 پایان بخشیدن به غائله کالدین در جنوب روسیه نقش فعالی داشت. در ۱۹۱۸ به
 کمونیست های چپ پیوست. در سالهای بعداً و عمدتاً در جبهه های جنگ داخلی و پیشبرد
 مسئولیت های محلی بود.
- بوبنف از فعالین گروه سانترالیسم دمکراتیک درون حزب بود و بعداً به
 اپوزیسیون چپ پیوست. متعاقباً از اپوزیسیون کنار گرفته و از کنگره سیزدهم
 تا هفدهم عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه بود. از ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۷ کمیته
 آموزش اتحاد شوروی بود. داثره المعارف روسیه فقط اشاره میکند که بوبنف در
 سال ۱۹۴۰ مرد.
- اما در پانویس آثار شروتسکی گفته میشود که او قربانی تحفیه ۱۹۳۷ شد.
- ۲۴ - (A.K. Voronsky) (۱۸۸۲ - ۱۹۴۲) - از کمونیستهای قدیمی و از شخصیت های
 بنام جنبش انقلابی روسیه، نویسنده، منتقد ادبی و عضو حزب سوسیال دمکرات
 روسیه از سال ۱۹۰۴ بود. عضو تشکیلات رزمی نظامی بلشویک ها در انقلاب ۷ - ۱۹۰۵

بود و مسئول انجام کارهای متعدد حزبی در مناطق مختلف روسیه بود. آثار اولیه او در ۱۹۱۱ چاپ شدند. از رهبران مبارزه انقلابی برای حاکمیت شورائی در منطقه ادسا بود. یکی از نمایندگان کنگره هشتم حزب کمونیست شوروی بود و به عضویت کمیته اجرائی مرکزی سراسری انتخاب شد. بعد از انقلاب اکتبر ادبثوری چندین روزنامه و مجله بعهده او بود. ورونسکی در نیمه دوم دهه ۲۰ به اپوزیسیون متحد پیوست و در ۱۹۲۷ از حزب اخراج شد اما بعدها دوباره به حزب پذیرفته شد. مدودوف (همان کتاب، مفحه* ۲۷۰) تلویحا از محکومیت او در محاکمات دهه ۳۰ و اعدام او سخن میگوید.

۳۵- (V. Smilenson) از اعضای قدیمی حزب بلشویک و از رهبران این حزب بود. عضو اولین شورای عالی اقتصاد ملی بعد از انقلاب اکتبر بود. اسمیرنوف از رهبران و سازماندهندگان گروه "سانترال ایسم دمکراتیک" در حزب کمونیست روسیه بود. او بعدا به اپوزیسیون چپ پیوست. اما او و سایرین نظرات و تحلیلهای تروتسکی و زینوویف و سایر رهبران اپوزیسیون متحد در رابطه با وضعیت حزب کمونیست شوروی و نیز حکومت شوروی در ۱۹۲۷ را قبول نداشتند و معتقد بودند که مارکسیست - لنینیستهای روسیه آن زمان وظیفه عاجل دارند تا در مقابل حزب کمونیست موجود یک حزب واقعی کمونیستی مبتنی بر سانترال ایسم دمکراتیک و نیز بر پایه منشاگرایی کردن بیشترین بخشهای پرولتاریا تشکیل دهند. همراه با اخراج رهبران اپوزیسیون چپ، سایرین و اسمیرنوف و گروه آنها رسماً ضد انقلابی خوانده شد و اخراج و تبعید شدند.

در مورد سرنوشت بعدی او اطلاعاتی بدست نیاوردیم. فقط تروتسکی در یکی از مقالاتش نوشته است "ولادیمیر اسمیرنوف، رهبر پیشین گروه سانترال ایسم دمکراتیک که با اپوزیسیون در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۶ نزدیک بود، اخیراً در تبعید فوت کرده است [۲۲ - ۱۹۲۲]".

۳۶- (E. Bosh). (۱۸۲۹ - ۱۹۲۵) - جزو اولین زنان مارکسیست انقلابی روسیه که از ۱۹۰۱ عضو حزب سوسیال دمکرات روسیه و از ۱۹۰۹ عضو کمیته شهر کیف این حزب بوده است. در تدارک قیام مسلحانه برای قدرت شوراها در روسیه نقش فعالی در شهر کیف و چند شهر دیگر داشت. عضو کمیته انقلابی نظامی شهر کیف بود. در اولین کنگره شوراها ی اوکراین به عضویت کمیته اجرائی اوکراین برگزیده شد. در ۱۹۱۸ به کمونیست های چپ پیوست. پس از آنهم مسئولیت های متعدد حزبی بعهده داشت و در ۱۹۲۰ عضو کمیته مرکزی یکی از اتحادیه های کارگری بزرگ و سراسری روسیه بود. در جریان بحران اواسط دهه ۳۰ درون حزب بلشویک به اپوزیسیون چپ پیوست و در ۱۹۲۵ از دنیا رفت.

۳۷- (I. Byk). - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۳۸- (Vladimir Kosior) (۱۹۲۸-؟) - از بلشویک های قدیمی بوده است. از رهبران گروه مرکزیت دمکراتیک در درون حزب بلشویک بود. او بعد از فعالیسن اپوزیسیون چپ بود. در سال ۱۹۲۷ به همراه سایر رهبران اپوزیسیون از حزب اخراج شد. گویا دوباره به حزب پذیرفته شده و در کمیساریای صنایع سنگین به کار مشغول بود. در سالهای ۳۸-۱۹۳۷ مهمترین بخشهای این کمیساریا مورد تعقیب قرار گرفتند و عدهای از کادرهای آن محاکمه و بقتل رسیدند. مدودوف در میان لیست قربانیان نام و کوسیور را هم نوشته است. (مدودوف، قبلی، صفحه* ۲۸۱)

۳۹- (F. Lokatskov) - اطلاعاتی در مورد او و بدست نیا وردیم.

۴۰- (kaganovich) - در امضای سند این اسم هیچ مشخصه دیگری ندارد و ممکن است (Lazar Kaganovich) (؟- ۱۸۹۳) باشد که یکی از بلشویک های قدیمی و از فعالان انقلاب اکتبر بوده است. کمیتر صنایع سنگین در سالهای ۲۹-۱۹۳۸ و از سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۰ عضو کمیته مرکزی و عضو علی البدل دفتر سیاسی و از سال ۱۹۳۰ پس از کنگره شانزدهم تا سال ۱۹۵۷ بطور مداوم عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی بوده است. کاگانوویچ از دهه ۳۰ تا اوایل دهه ۵۰ از عناصر اصلی رهبری شوروی در زمینه های حزبی و حکومتی بوده است و از نزدیکان استالین بشمار میآید. پس از مرگ استالین در پلنوم بیست و هفتم در ۲۲ ژوئن ۱۹۵۷ کمیته مرکزی، این فرد با اتفاق مالنکوف، مولوتف و شپیلوف از کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی اخراج شدند.

۴۱- (Ya. N. DrobniS) (۱۸۹۰-۱۹۳۷) از منضمین رهبری و سازماندهی نظامی، از اعضای قدیمی حزب بلشویک و در جریان انقلاب اکتبر و جنگ داخلی از رهبران و فعالان انقلاب بود. در سالهای پس از انقلاب به اپوزیسیون چپ پیوست. اطلاعات مستندی در مورد فعالیت های او بدست نیا وردیم. در کتاب در دادگاه تاریخ، مدودوف نام او را جزو لیست ۱۷ نفره ای، که در اوایل سال ۱۹۳۷ در یک دادگاه نظامی عالی محاکمه و اکثر آنها از جمله دوربینیس اعدام شدند، ذکر کرده است. (صفحه* ۴۹- ۲۸۴ همان کتاب).

۴۲- (P. Kovalenko) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیا وردیم.

۴۳- (A. E. Minkin) - امضا

۴۴- (V. Yakovleva) (؟- ۱۹۲۲) طبق نوشته روی مدودوف "از سال ۱۹۰۴ عضو حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه" و از اولین نسل زنان انقلابی ما که بیست روسیه میباشند. در پانویس مجموعه نوشته های تروتسکی قید شده که در ۱۹۱۷ و او را ایسا کولوا علی البدل کمیته مرکزی، در سال ۱۹۱۸ به همراه بوخارین "کمونیست چپ"

بوده است . درپا نویسی مذکور همچنین قید شده است که او در سال ۱۹۳۸ بعنوان یکی از متهمان دادگاه در عین حال بعنوان شاهد علیه بوخارین شهادت داد . وبهمراه بوخارین و مانتسف به اعدام محکوم شد اما حکم اعدام پاکوولوا تا سال ۱۹۴۴ [که او تیرباران شد] به تعویق افتاد .

طبق نوشته "مدودوف در "در دادگاه تاریخ" ... "پاکوولوا که از سال ۱۹۰۴ عضو حزب بود ، قبل از آنکه تیرباران شود از همسلولیهای زندانش مصرا نه تقاضا کرد که اگر روزی از زندان آزاد شدند ، بگوش همه بپرسانند که شهادتهای او همه دروغهای بی بود که با زجوبیان او را وادار به امضایش کرده بودند ." (صفحه* ۲۶۰)

۴۵- (B. Eltsin) (؟ - ۱۸۷۵) - یکی از بنیانگذاران حزب بلشویک ، یکی از رهبران و رزمندگان انقلاب اکتبر و جنگ داخلی در روسیه و صدر شورای بکا ترینوبورگ در اوایل انقلاب . او در عین حال یک متخصص امور اقتصادی و یکی از اولین اعضای اپوزیسیون چپ بود . در سال ۱۹۲۹ از حزب اخراج و تبعید شد .

اسم او در لیست کمانی است که در اعلامیه "به کمک فوری احتیاج است" تروتسکی جزو تبعیدی های بلشویک معرفی شده است . از سر نوشت بعدی او اطلاعی در دست نیست . به احتمال زیاد در تبعید مرده یا کشته شده است .

۴۶- (L. Levitin) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم .

۴۷- (I. Palyudov) ایضا

۴۸- (F. Sudnik) - ایضا

۴۹- -- Central Control Commission Of The All-Union Communist Party (Bolshevik) - به نقل از (G.S.E.) ، " کمیسیون کنترل مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بالاترین ارگان کنترل حزب از ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۴ ، اعضای این کمیسیون توسط کنگره

حزب انتخاب شده و فقط به کنگره ها سلگوبودند . این کمیسیون زیر کمیسیونهای شی در مناطق جهت پیشبرد امر کنترل تشکیل میداد ، وظایف کمیسیون کنترل توسط کنگره حزب تعیین میشد ، یکی از مهمترین وظایف کمیسیون ، مبارزه برای حفظ وحدت حزب و مبارزه علیه هر گونه دسته بندی و فرا کسیونیم در حزب بود . یکی دیگر از وظایف کمیسیون مبارزه علیه هرگونه انحراف از برنامه ، اساسنامه و اصول حزب و مبارزه برای حفظ خلوص بدنه حزب بود .

با تشکیل بازرسی کارگری و دهقانی ، وظایف ، حدود اختیارات و کارکردهای کمیسیون کنترل افزایش یافته و از نظر زمانی در ارتباط با کمیسیاری بازرسی کارگری و دهقانی قرار گرفته و بمناسبت گروه متشکل حزبی این کمیسیاری عمل میکرد . کمیسیون مرکزی کنترل و نمایندگان محلی آن علی الخصوص در سالهای ۲۶ - ۱۹۲۴ وظایف متعددی در تمامی سطوح و زمینه ها بعهده داشتند و کمیته مرکزی را در انتخاب مناسبترین افراد در زمینه های مختلف یاری میکردند .

از سال ۱۹۲۳ پلنومها ارگان رهبری کمیسیون - هیئت رشیمه کمیسیون - را انتخاب میکردند . هیئت رشیمه معاونین کمیسیون کنترل را از میان اعضای کمیسیون انتخاب میکردند . [دقت کنید که

کمیسیون کنترل مرکزی حزب از ابزاری در دست کنگره و کل حزب، برای کنترل کل حزب و از جمله کمیته مرکزی، به این ترتیب، به ابزاری در دست کمیته مرکزی تبدیل شد. [کمیسیون کنترل نقش تعیین کننده‌ای در وحدت لنینی حزب ایفا کرد] منظور با قلع و قمع جناح‌های مختلف اپوزیسیون می‌باشد. [برای دفاع از خط لنینی حزب کمیسیون کنترل اقدامات تعیین کننده‌ای علیه جناح‌های شروتسکیستی، زینوویفستی و جناح‌های راست و چپ انجام داد و در جریان تهیه حزب از این انحرافات نقش موثر و مستقیمی داشت.

از سال ۱۹۲۲ در کنگره* هفدهم، کمیسیون مرکزی کنترل حزب کمونیست به کمیسیون کمیته مرکزی برای کنترل حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی تبدیل شد که توسط کنگره‌ها انتخاب می‌شود. (G.S.E. ، جلد هشتم، صفحه ۵۴-۵۳، گروه‌ها و تأکیدات از من است).

۵۰- (M.M. Lachevitch) (۱۹۲۸-۱۸۸۴) - از کمونیست‌های قدیمی روسیه و از سال ۱۹۰۱ عضو حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه بود. در مناطق مختلف روسیه کار حزبی می‌کرد. در مقطع انقلاب فوریه* ۱۹۱۷، لاشوویچ مدیر فراقمیون بلشویک‌ها در شورای پتروگراد و عضو کمیته* پترزبورگ حزب بلشویک بود. در جریان انقلاب اکتبر عضو کمیته* انقلابی نظامی پتروگراد بود و عملیات تسخیر اداره* پست و تلگراف، بانک دولتی و کالج بونکرپاول را هدایت می‌کرد. لاشوویچ عضو هیئت رئیسه* شورای پتروگراد و کمیته* اجرایی مرکزی سراسری در تمام اجلاسهای آن از انقلاب اکتبر به بعد بود. در جریان جنگ داخلی فرماندهی نظامی ارتش سوم و عضویت در شورای نظامی انقلابی جبهه‌های شرقی و جنوبی جزو مسئولیت‌هایش بود. در ۱۹۲۵ او معاون کمیته ریای خلق در امور نظامی و دریایی، معاون ریاست شورای نظامی انقلابی اتحاد شوروی و عضو شورای عالی اقتصاد بود. در کنگره‌های ۱۲، ۱۳، ۱۴ به عضویت در کمیته مرکزی و در کنگره* ۱۴ به عضویت علی‌البدل کمیته مرکزی حزب بلشویک انتخاب گردید. در کنگره‌های سوم و پنجم کمینترن شرکت کرد. در جریان بحرانهای درونی نیمه* دوم دهه* ۲۰ در حزب بلشویک لاشوویچ عضو فعال اپوزیسیون چپ بود و در سال ۱۹۲۷ از حزب اخراج شد. پس از آنکه از مواضع خود دست کشید دوباره به عضویت حزب پذیرفته شد و در ۳۰ اوت ۱۹۲۸ فوت کرد. منظور از ما برای لاشوویچ، که در این سند چندبار مورد اشاره قرار می‌گیرد، ظاهراً برگزاری جلسات مخفی* توسط گرانه* توسط وی و چند تن دیگر است که قبل از پلنوم ژوئیه* ۲۶، آشکار شده و در حزب مورد بهیست بود.

۵۱- (Bielenky) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۵۲- (V. Molotov) (۱۸۹۰-؟) - یکی از بلشویک‌های قدیمی و ادیتور پراودا در دوره* قبل از انقلاب اکتبر بود. در ۱۹۲۰ به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه

انتخاب شد و همواره از متحدین استالین بود. او از سال ۴۱-۱۹۳۰ رئیس شورای کمیته‌های خلق و از سال ۱۹۵۷-۱۹۲۶ عضو فدراسیون حزب کمونیست روسیه بود. در سال ۱۹۳۹ وزیر امور خارجهٔ دولت جماهیر شوروی شد. در سال ۱۹۵۷ و در زمان رهبری خروشچف و از کمیته مرکزی اخراج شد. به عنوان سفیر به مفلستان فرستاده شد و در سال ۱۹۶۲ اخراج او از حزب کمونیست اعلام شد.

۵۲- Arrivisme

۵۳- Norme

۵۵- منظور از آمتردامی‌ها، فدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری یا انترناسیونال آمتردام اتحادیه‌های کارگری است که در ۱۹۱۹ در آمتردام (هلند) تشکیل شد. این ارگان در شروع کار توانست اتحادیه‌های کارگری ۱۴ کشور با عضویت ۱۷/۷۳۸/۰۰۰ نفر را با هم متحد کند.

این سازمان جهانی شدت تحت تا شیرونفوذ فرمیست‌ها و سوسیال دموکراسی قرار داشت و یکی از اهدافش جلوگیری از سوق یافتن توده‌های کارگر به ایده‌ها، روشها و اقدامات انقلابی و نیز جلوگیری از گسترش نفوذ ایده‌های انقلابی مارکسیستی در میان توده‌های کارگر بود.

سیر رشد و تحکیم و گسترش نفوذ این جریان، انعکاسی از سیر حرکت سوسیال دموکراسی در فاصلهٔ بین دو جنگ جهانی، در اروپا و کشورهای غربی بود. اتحادیه‌های کارگری شوروی و خیلی از اتحادیه‌های مترقی کشورهای سرمایه‌داری هیچگاه اجازهٔ ورود به این فدراسیون را بدست نیاوردند. با شروع جنگ جهانی دوم و بن بست و ناتوانی سوسیال دموکراسی در عرصهٔ جهانی این فدراسیون راهم بحران فراگرفت و پس از پیمان نامهٔ تسلیم فرانسه در ۱۹۴۰، این فدراسیون جهانی هم تقریباً بطور کامل از بین رفت.

۵۶- (Thomas Albert) (۱۸۷۸-۱۹۳۲) - شخصیت سیاسی و مورخ فرانسوی. از سال ۱۹۰۴ برای نشریات سوسیالیستی نگارش میکرد. در سال ۱۹۱۰ از طرف حزب سوسیالیست به مجلس نمایندگان انتخاب شد و یکی از رهبران فرمیسم در فرانسه بود. در طول جنگ جهانی اول موضع سوسیال - شوونیستی اتخاذ کرد. وی یکی از بنیان‌گذاران سازمان بین‌المللی کار در ملل متفق و از ۳۲-۱۹۲۵ رئیس آن بود.

۵۷- (Albert A. Purcell) (۱۸۷۲-۱۹۳۵) - یکی از رهبران فرمیست شورای عمومی کنگرهٔ اتحادیه‌های کارگری بریتانیا (T.U.C) و نیز همچنین رئیس کمیتهٔ مشترک سندیکائی روس - انگلیس در جریان خیانت به اعتصاب عمومی انگلیس در سال ۱۹۲۶ بود.

۵۸- (Ramsay Mac Donald) (۱۸۶۶-۱۹۳۷) - از سوسیال فرمیست‌های انگلیس که بعدها رهبر حزب کارگر انگلیس شد و نخستین دولت حزب کارگر در بریتانیا تحت نخست

وزیری او در سال ۱۹۲۴ بر سر کار آمد. در دومین دوره نخست وزیری اش (۳۱-۱۹۲۹) برای تشکیل یک کابینه وحدت ملی با محافظه کاران، حزب کارگزاران را کرد (۳۵-۱۹۳۱) و نفوذ و اتوریته خود را به این ترتیب از دست داد. در انتخابات اواخر ۱۹۳۵ او به شدت شکست خورد و از سیاست کناره گرفته و در سال ۱۹۳۷ در سفری به امریکای جنوبی از دنیا رفت.

۵۹- (F. I. Dan) (۱۸۷۱-۱۹۲۷) - از سوسال دمکراتهای قدیمی روسیه و از بنیان گذاران حزب کارگر سوسال دمکرات روسیه بود. در جریان انشعاب حزب به بلشویسم و منشویسم، دان جزو رهبران و سازمان دهندگان جناح منشویکی بود. در طول جنگ جهانی اول مثل سایر منشویکها سیاست سوسال-شوونیستی در پیش گرفت. بعد از انقلاب فوریه از دولت موقت پشتیبانی کرده و عضو کمیته اجرایی شورای پتروگراد بود. بعد از انقلاب اکتبر در کنگره های هفتم و هشتم تمام شوراهای روسیه شرکت داشت و از جانب منشویکها صحبت میکرد. در ۱۹۲۲ به خارج از روسیه تبعید شد. پس از تبعید به برلین رفت و به سازماندهی و هدایت منشویکها مشغول شد. در سال ۱۹۲۳ در تشکیل انترناسیونال سوسیالیستی شرکت کرد. از سال ۱۹۲۱ تا ۲۷، که فوت کرد، در آمریکا به تحریر ارگان منشویکهای مقیم آمریکا مشغول بود.

۶۰- (A. F. Kerensky) (۱۸۸۱-۱۹۷۰) - از رهبران سوسال رولوسیونرها، از سال ۱۷-۱۹۱۲ بعنوان معاون در چهارمین دومای دولتی شرکت داشت. در جریان جنگ اول جهانی، از جنگ تحت نام دفاع از میهن حمایت میکرد. پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ کرنسکی بعنوان رئیس شورای پتروگراد و عضو کمیته موقت دومین انتخاب شد. در مارس ۱۹۱۷ به سوسال رولوسیونرها (اس. ارها) پیوست، و در دولت موقت در پست های وزیر قضاوتی و وزیر ارتش خدمت کرد و بعد رئیس دولت شد. کرنسکی در روز قیام اکتبر در پتروگراد از پایتخت به طرف جبهه فرار کرد و شورش کرنسکی-کراسنوو ۱۹۱۷ را سازماندهی نمود، پس از سرکوب شورش به دن و سپس در ۱۹۱۸ به فرانسه فرار کرد. از سالهای ۲۲-۱۹۲۲ شرکت فعال در اقدامات ضد شوروی "سفیدها" و تحریر روزنامه "DNI (روزها) داشت. از ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰، که از دنیا رفت، در آمریکا بسر میبرد.

۶۱- Un'Septuor' Fractionnel

۶۲- (V. Kovi bychev) (۱۸۸۸-۱۹۳۵) - از کمونیستهای قدیمی و از سال ۱۹۰۴ عضو حزب کارگر سوسال دمکرات روسیه بود. در دوره انقلاب اکتبر و در جریان جنگ داخلی جزو رهبران حزبی، مدرسوراهای منطقه و دبیر کمیته های حزبی مختلف و نیز جزو فرماندهان نظامی بود. در کنگره دوازدهم بعنوان رئیس کمیسیون بازرسی کارگری و دهقانی و از کنگره پانزدهم تا هفدهم عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کمونیست روسیه بود. در ۱۹۲۶ مدرسورای عالی اقتصاد ملی بود. در دوره های بعدی و تا زمان مرگش که به شیوه مرموزی روی داد، جزو رهبران

طراز اول حزب و حکومت شوروی فعالیت میکرد و از متحدین استالین و جزو رهبران جریان غالب بحساب میآمد.

در سال ۱۹۲۵ به طریقی که هیچگاه معلوم نشد ترور گردید و کشته شد. یکی از موارد اتهامی متهمان سری سوم محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک که در ۱۹۳۲ در مسکو داشتند، از جمله اتهام دست داشتن در قتل گوشینبیچف بود.

۶۲ - (E. Yaroslavsky) (۱۸۷۸ - ۱۹۴۳) - از کمونیست های قدیمی و از رهبران حزب کمونیست روسیه بود. بعد از انقلاب اکتبر و ژانف، مشاغل و مسئولیت های متعدد حزبی و حکومتی بعهده داشت. او از تاریخ نویسان مشهور شوروی است. در جریان مبارزات درون حزبی بلشویک ها، کنار استالین و جریان غالب قرار داشت و در سرهم بندی کردن اتهامات علیه اپوزیسیون و رهبران قبلی حزب، سهم بسزایی داشت.

در سالهای نیمه اول دهه ۳۰ مدتی مسئول کمیسیون مرکزی کنترل حزب بود. در سال ۳۳ - ۱۹۳۲ - چون حاضر نشد آنطور که استالین میل داشت که تاریخ شوروی نوشته شود، عمل کند، مورد نقد و تهمت های زیادی قرار گرفت و به تروئسکیسم و منشیسم ... متهم شد.

مدودوف مینویسد: "... لجن پراکنی علیه یاروسلاوسکی همچنان ادامه یافت و سرانجام یاروسلاوسکی تسلیم شد و طی نامه ای که انتشار داده تمام اشتباهاتی که به او نسبت داده میشد اعتراف کرد و یک بیوگرافی از استالین نوشت که در آن نقش استالین "کاملاً تصویر شده بود". او نه تنها بعنوان تاریخ نگار بلکه بعنوان رئیس کمیسیون کنترل حزب هم تسلیم استالین شد." (مدودوف، قبلی، صفحه ۴۸۱).

۶۳ - (Yanson) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم. تنها در کتاب مدودوف "در دادگاه تاریخ" در میان لیست رهبران احزاب کمونیست لتونی، لیتوانی و استونی که در نیمه دوم دهه ۳۰ توسط استالین و حکومت شوروی محاکمه و به قتل رسیده اند اسم ن. یانسون هم آورده شده است.

۶۵ - Regime d'appareil

۶۶ - بعد از بهم خوردن وحدت "سه گانه" استالین، زینوویف و کاکا منف (که پس از بیماری لنین و بطور تلویحی در مقابل تروتسکی شکل گرفته بود) و پیوستن زینوویف و کاکا منف به اپوزیسیون، محور مبارزه درون حزبی به مبارزه بین جناح استالین از یک طرف و زینوویف و کاکا منف در رأس اپوزیسیون از طرف دیگر تغییر کرد. (اپوزیسیون تحت رهبری زینوویف و کاکا منف "اپوزیسیون جدید" نامیده میشد).

تشکیلات لنینگراد حزب بلشویک بعنوان معتبرترین تشکیلات حزب و قدیمی ترین آن، و بعنوان تجلی مادی پرولتاریای آگاه و منسجک در شوروی آن زمان، تقریباً یکبار چه در کنار زینوویف و در مقابل استالین بود. بعنوان یکی از اساسی ترین اقدامات در مبارزه علیه اپوزیسیون جدید استالین و جریان غالب بر حزب، تصفیه و فلج کردن تشکیلات لنینگراد را در دستور کار خود گذاشتند و با اشکاء به ازارهای تشکیلاتی

دبیرخانه و دفتر تشکیلات که هر دو تحت نظرونظرف استالین بودند، شطرنج گسترده‌ای در تشکیلات لنین‌گرا د صورت گرفت. کارهای قدیمی و مجرب حزب بعضا اخراج شدند و بیشتر برای انجام ما موریت‌های حزبی به نقاط دور دست فرستاده شدند و عده‌ای هم از فعالیت حزبی ممنوع شدند. بتدریج زینوویف از محکمترین تکیه‌گاهش در حزب - تشکیلات لنین‌گرا د - محروم گردید.

۶۷ - Donbase

۶۸ - (Ivan Bekayov) (۱۸۸۷ - ۱۹۳۶) - یکی از بلشویک‌های قدیمی و از فعالان و رهبران انقلاب اکتبر و اولین رئیس گ. پ. ت. در لنین‌گرا د بود. یکی از اعضای اپوزیسیون و از نزدیکان زینوویف بود. در ۱۹۲۷ از حزب اخراج، اما پس از عقب نشستن از مواضع خود و تمکین به جریان حاکم بر حزب دوباره به حزب بازگشت. در اولین سری محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو در سال ۱۹۳۶ با کایف یکی از متهمان با اصطلاح "گروه مسکو" بود. او به اعدام محکوم شد و فوری تیرباران گردید.

با کایف در سال ۱۹۳۵ هم در دادگاهی در مسکو، به جرم فعالیت‌های ضد انقلابی محکوم شده بود و در هنگام شرکت در اولین سری محاکمات مسکو، دوره زندان را میگذراند.

۶۹ - (I. Avedaiiev)

۶۹ - (Lisdine)

۷۰ - (K. Soloviev)

۷۱ - (A. Peterson)

اطلاعاتی در مورد اسامی فوق بدست نیسارردیم.

۷۲ - (G. Yevdokimov) (۱۸۸۷ - ۱۹۳۶) - یکی از بلشویک‌های قدیمی و یکی از دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست بود. در کتاب مدودوف از او بعنوان "یکی از چکیستهای (اعضای چکا) پرنفوذ" یاد شده است. از رهبران اپوزیسیون چپ در شوروی بود و به همین علت در سال ۱۹۲۶ از دبیری کمیته مرکزی برکنار و در ۱۹۲۷ از کمیته مرکزی اخراج شد. در ۱۹۳۵ در مسکو به اتفاق زینوویف، کایف، گرتیک، با کایف، کولکین، شارف، براوو کسن و ۱۰ نفر دیگر، در نخستین محاکمه سیاسی رهبران اپوزیسیون در شوروی، محاکمه شد. اتهام، شرکت در شوطه، قتل کیروف و بگیری اقدامات جنایتکارانه دیگر بود. چون هیچ سندی دال بر صحت جرم پیدانشد، متهمین اعدام نشده و زندانی شدند. بودوکیفوف در سال ۱۹۳۶ در اولین سری محاکمات بزرگ رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو، محکوم و سپس تیرباران شد.

۷۳ - (G. E. Zinoviev) (۱۸۸۳ - ۱۹۳۶) - از بنیان‌گذاران حزب بلشویک و از نزدیکان و همراهان لنین چه در دوران تبعید و چه در دوران جنگ جهانی و پس از انقلاب اکتبر بود. از سال ۱۹۰۱ عضو حزب کارگر سوسیال دمکرات روسیه بود. بعد از کنگره دوم جزو بلشویک‌ها بود. در انقلاب ۱۹۰۵ فعالانه شرکت داشت. از کنگره پنجم به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست انتخاب شد و در هیئت تحریریه "پرولتاری" و "سوسیال دمکرات" کار میکرد. عضو جناح چپ انترناسیونالیست‌های زیمروالسد بود. بعد از انقلاب فوریه به اتفاق لنین به روسیه برگشت. در ابتدا به اتفاق

کا منف با مقاله «قیام صلحانه مخالف بود». بعد از انقلاب اکتبر صدر شورای پتروگراد، دبیر کمیته حزبی پتروگراد، عضو فدراسیون حزبی کمونیست روسیه و بنا به پیشنهاد لنین صدر کمینترن از زمان تأسیس آن بود.

بعد از مرگ لنین مدتی در یک اتحاد سه‌گانه به اتفاق کا منف و استالین در مقابل تروتسکی فعالیت میکرد. از ۱۹۲۵ در مقابل استالین و جریان غالب به سر حزب کمونیست قرار گرفته و به اتفاق کا منف رهبری اپوزیسیون جدید را به عهده گرفت. بعداً به اتفاق تروتسکی و هواداران او اپوزیسیون متحد را تشکیل داد و به انتقاد از سیاستهای استالین و جریان غالب در عرصه ملی و بین‌المللی پرداختند. در کنگره ۱۵ در سال ۱۹۲۷ به اتفاق کلیه رهبران اپوزیسیون از حزب اخراج و به سیبری تبعید شد. از حضور در جلسات کمیته اجرائی بین‌المللی کمونیست، کسبه زینوویف خودش در کنگره قبلی به اتفاق آراء به ریاست آن انتخاب شده بود منع شد. در سال ۱۹۲۸ از مواضع خودپس‌نشد و دوباره به حزب پذیرفته شد. در اکتبر ۱۹۳۲ اخراج و تبعید شد. در ۱۹۳۳ دوباره به مسکو برگشته و اجازه فعالیت در حزب را بدست آورد. در ژانویه ۱۹۳۵ بعد از واقعه قتل کیروف به اتهامات واهی محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم شد. مجدداً برایش پاپوش درست کرده و در اوت ۱۹۳۶ در اولین سری محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو، محکوم و تیربارانش کردند.

۷۵- (N.K. Krupskaya) (۱۸۶۹ - ۱۹۳۹) - بلشویک قدیمی، رفیق و همسر لنین، از فعالین قدیمی سازمانهای مخفی و اولیه سوسیال دموکراسی روسیه، بعداً در کنار لنین در فعالیت‌های مختلف حزبی شرکت داشت، زمینه اصلی کار او آموزش و پرورش بود. بعد از انقلاب اکتبر در کمیته‌ریای آموزش و پرورش فعالیت میکرد. در جریان بحران حزب بلشویک در نیمه دوم دهه ۲۰ به اپوزیسیون متحد پیوست.

بعداً از مواضع خود دست کشید و به فعالیت در حزب ادامه داد. اما اختلاف او با جناح غالب بر حزب و با استالین تا زمان مرگش ادامه داشت.

۷۶- (L.D. Trotsky) (۱۸۷۹ - ۱۹۴۰) - فعالیت انقلابی را از سالهای ۱۸۹۵ به بعد آغاز کرد. در ۱۹۰۲ در انتشار «ایسکرا» با لنین همکاری میکرد. بعداً زکنگره دوم لنین و بلشویکها فاصله گرفت و بیشتر با منشویکها همکاری میکرد. او از ۱۹۰۴ از منشویکها هم جدا شده و یک خط سانسور بین بلشویسم و منشویسم را نمایندگی میکرد و تلاش میکرد تا دوباره حزب را متحد کند. در انقلاب ۱۹۰۵ صدر شورای پتروگراد بود و «تئوری انقلاب مداوم» خود را از آن زمان طرح نمود. در مقابل شعار بلشویکها که «دیکتاتور دیموکراتیک کارگران و دهقانان بود»، شعار همه قدرت بدست کارگران و انقلاب سوسیالیستی بلاواسطه را عنوان میکرد. در جریان جنگ جهانی اول موضع انترناسیونالیستی آنها ذکر شده و به جناح چپ انترناسیونالیستهای زیمروالسد پیوست.

در سال ۱۹۱۷ به حزب بلشویک پیوست و در همان کنگره وحدت با حزب بلشویک

(کنگره* ششم حزب بلشویک در اوت ۱۹۱۷) از مجموع ۱۵۳ رأی نمایندگان حاضر در کنگره* لنین ۱۵۲ رأی و تروتسکی ۱۰۱ رأی برای شرکت در کمیته مرکزی را به خود اختصاص دادند. از آن پس تروتسکی در کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب بلشویک فعالیت میکرد. او یکی از رهبران و سازماندهندگان اصلی قیام مسلحانه* اکتبر و انقلاب سوسیالیستی در روسیه بود. او نخستین کمیسر امور خارجه* دولت اتحاد جماهیر شوروی بود و سرپرستی هیئت نمایندگی شوروی در مذاکرات مربوط به صلح برست لیتوفسک را بعهده داشت. سپس بعنوان صدر کمیساریای جنگ مسئول ایجاد و سازماندهی ارتش سرخ گردید و رهبری این ارتش را در جنگ علیه نیروهای مسلح ضد انقلاب داخلی و نیز نیروهای متجاوزا مهربالیستی علیه انقلاب اکتبر بعهده داشت. در سال ۱۹۲۳ در تشکیل اپوزیسیون چپ در شوروی نقش فعالی داشت. او به انتقاد به برخی از جنبه های سیاست حزب و دولت شوروی در زمینه* مسائل ملی و بین المللی پرداخت. در ۱۹۲۶ به اتفاق کازیمزینوویف رهبری اپوزیسیون متحد را بدست گرفته و به مقابله با سیاستهای جریان غالب بر حزب کمونیست روسیه و استالین برخاستند. سرانجام تروتسکی از حزب کمونیست و از کمینترن اخراج و در ۱۹۲۹ به ترکیه تبعید شد. در ۱۹۳۳ امیدش به بهبود کمینترن از بین رفت و سعی کرد که انترناسیونال جدیدی تشکیل دهد. او تمام مساعی خود را به این منظور بکار گرفت. کنفرانسهایی از هواداران خود، که خودشان را بلشویک ها، لنینیست ها و تداوم اپوزیسیون چپ روسیه و بین الملل میخواندند تشکیل داد و در سال ۱۹۳۸ در یکی از این کنفرانسهها تشکیل بین الملل چهارم را اعلام کرد... در ۱۹۴۰ تروتسکی توسط فردی که گویا در ارتباط با پلیس مخفی شوروی قرار داشت ترور گردید و کشته شد.

۷۷- (L. B. Kamenov) (۱۸۸۳-۱۹۳۶) - از سال ۱۹۰۱ که در مسکو تحصیل میکرد به حزب کارگرسوسیال دمکرات روسیه پیوست. از ۱۹۰۳ جزو بلشویک ها بود. او مدتها در مهاجرت فعالیت میکرد. در سال ۱۹۱۴ برای سردبیری پراودا و نیز هدایت فراکسیون بلشویک ها در دوما ی دولتی به روسیه اعزام شد. در همان سال به اتفاق فراکسیون بلشویکی دوما بازداشت و تبعید شد. در جریان انقلاب اکتبر با قیاسام مسلحانه و تصرف قدرت مخالفت کرده و در ابتدا، در همان حال که در رأس کمیته مسکو حزب بود، از پذیرش مسئولیت های دولتی امتناع کرد. در دومین کنگره* شوراها بعنوان رئیس دولت انتخاب شد. او یکی از رهبران مشهور بلشویکی در اتحاد شوروی بود و از سال ۱۹۱۷ عضو کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب کمونیست بود. در سالهای ۲۵-۱۹۲۳ به اتفاق زینوویف و استالین اتحادیه گانهای علیه تروتسکی تشکیل دادند. از ۱۹۲۵ به اتفاق زینوویف به مخالفت با سیاستهای استالین و جریان حاکم بر حزب کمونیست و کمینترن پرداخته و رهبری اپوزیسیون را بدست گرفتند. سپس به اتفاق تروتسکی اپوزیسیون متحد را تشکیل دادند. در کنگره* پانزدهم در

۱۹۲۷ از حزب اخراج و تبعید شد. او متعاقباً از مواضع خود عقب نشست و دوباره به حزب برگشت. در ۱۹۳۲ دوباره اخراج، بازداشت و به سیبری تبعید شد. در ۱۹۳۳ دوباره به مسکو بازگردانده شد. بعداً زماجرای قتل کپروف در ۱۹۳۴ دوباره بازداشت و با اتهامات واهی به ۵ سال زندان محکوم شد. در جریان اولین سری محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در ۱۹۳۶ در مسکو با اعدام محکوم شد و در همان سال تیرباران گردید.

۷۸- منظور شکست انقلاب ۲۲-۱۹۲۵ معروف به انقلاب دوم چین است. از سال ۱۹۲۵ جنبش انقلابی در چین رشد و گسترش قابل توجهی یافت. مخصوصاً جنبش کارگری در مناطقی و شهرهای صنعتی و از همه مهمتر شانگهای و هنگ کنگ - کانتون وارد اعتبارات گستردهٔ سیاسی شد. بورژوازی چین سعی میکرد از این جنبش انقلابی و توده‌های وسیع در خدمت متحدینها رچه کردن کشور چین، که در آن زمان به ولایات مستعمرات از یکدیگر و تحت کنترل سران نظامی منقسم شده بود، بهره‌برداری کند. حزب کومین تانگ و نیروی نظامی وسیع آن که ارتش ملی انقلابی نامیده میشد و پس از مرگ سون یات سن، تحت فرماندهی چیان کای چک اداره میشد آن نیروی سیاسی بود که برای تحقق اهداف طبقاتی بورژوازی چین مبارزه میکرد.

طبقهٔ کارگران و کمونیستهای چین که تحت تأثیرات انقلاب بلشویکی اکتبر و ایده‌های شوراهای کارگران، دهقانان و سرکاران و حاکمیت شورائی بودند نمیتوانستند در کومین تانگ چیزی منطبق با این اهداف و ایده‌ها ببینند. حزب کمونیست جوان چین در چنین شرایطی، علیرغم فقدان تجربه سرعت در حال گسترش نفوذ بود.

اما در همین دوره و با غلبهٔ سیاستهای راست روانه و فدرالیستی برجستهٔ کمونیست شوروی و از این طریق بر کمینترن و اکثریت جنبش کمونیستی جهانی، مبنی بر ضرورت تقویت مبارزهٔ فدا مپریالیستی از طریق وحدت با بورژوازی ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و تحت سلطهٔ امپریالیسم و اعتراض از آنجا که سیاستها و تاکتیک‌هایی که میتوانند به این وحدت لطمه وارد کنند، با پشت کردن به یکی از اساسی‌ترین مبانی سیاستهای لنینی مبنی بر ضرورت تأمین استقلال و هژمونی پرولتاریا در انقلابات دمکراتیک و فدا مپریالیستی و رها نشدن جنبش ملی، کمونیستها و حزب کمونیست از جانب کمینترن دعوت به همکاری و وارد شدن به صفوف کومین تانگ، حتی به شکل انفرادی شدند. کومین تانگ حزبی انقلابی و متحد کمینترن ارزیابی شده و رئیس آن چیان کای چک از جانب کمیتهٔ اجرایی انترناسیونال کمونیستی به عضویت افتخاری هیئت رئیسهٔ کمیتهٔ اجرایی کمینترن برگزیده شد. کومین تانگ با تشبیهٔ موقعیت خود در هر منطقه کم کم نوک نیز حمله را متوجه کارگران کمونیستها و دهقانان میکرد. همزمان با مبارزات بورژوازی و کومین تانگ بعنوان حزب سیاسی اش برای متحد کردن چین و برانداختن سیستم ملوک الطوائفی و فعال

مابشائی مالکان و فرماندهان نظامی، کارگران و زحمتکشان چینی تحت رهبری کمونیست‌ها و کارگران انقلابی، مأموما در مراکز صنعتی پیش‌تر زبیا رزه بودند بطوریکه قبل از رسیدن نیروهای کومین‌تانگ به شانگهای، کارگران تحت رهبری کمونیست‌ها در این شهر قدرت را بدست گرفته و مسلح بودند، کومین‌تانگ کم‌کم از این وضعیت احساس خطر کرده و تدارک حمله به کارگران را دید. هرگونه مقاومت یا مبارزه مستقیم علیه کومین‌تانگ از جانب کمینترن و حزب کمونیست منتفی اعلام شد. در نتیجه نیروهای کومین‌تانگ در ۱۹۲۷ در شانگهای دست به یک کودتای نظامی ضد انقلابی علیه کارگران زد و تمام ارگانهای توده‌ای، تشکلهای کارگری و سازمانهای کمونیستی را درهم کوبیده و کارگران آگاه و کمونیست‌ها را قتل عام کرد.

علیرغم این کمینترن اعلام کرد که این عمل ضد انقلابی از ناحیه جناح راست کومین‌تانگ صورت گرفته و همچنان وظیفه کمونیست‌هاست که وحدت خود را با این حزب حفظ کرده و در آن بمانند و جناح چپ آنرا که انقلابی است تقویت کنند. اما جناح چپ هم نهایتاً از جناح راست بهتر از آب در نیامد و چند ماه بعد در ووهان هم کارگران و سازمانهای کمونیستی و توده‌ای درهم کوبیده شد و کمونیست‌های بسیاری قتل عام گردیدند.

جناح راست و چپ کومین‌تانگ که شانگهای، کانتون و ووهان مرکزشان بود در همان سال ۱۹۲۷ با هم متحد شدند و چیان کای چک به عنوان فرمانده کل نیروهای کومین‌تانگ انتخاب شد. در این زمان علاوه بر جنبش کارگری، جنبش انقلابی دهقانی هم وسعت بی‌سابقه‌ای گرفته بود و خواست انقلاب را در کمال ارضی در میان وسیعترین توده‌های دهقانی به‌انگیزه مبارزه انقلابی تبدیل شده بود. برای مقابله با این خطر بود که کل بورژوازی چین و حزب سیاسی اش یکپارچه در مقابل انقلاب قرار گرفته و در غیاب یک نیروی سیاسی مستقل و انقلابی رهبری کنند. جنبش انقلابی کارگران و دهقانان را درهم کوبید، کمونیست‌های بیشماری را از بین برده و به زندان افکند و انقلاب ۲۷-۱۹۲۵ چین را شکست داد.

حزب کمونیست و کمینترن بعداً کوشیدند با دست زدن به یک سری عملیات وضع را عوض کنند. مهمترین اینها قیام کانتون در ۱۹۲۷ بود. اما این عملیات وضع را بدتر کرد و ضربات بیشتری برای باقیمانده کمونیست‌ها و حزب در پی داشت. این شکست کمربند جنبش کارگری چین و بخش پرولتری حزب کمونیست را شکست و پایگاههای حزب به مناطق روستائی منتقل شد.

۷۹- (Kumintang) (حزب مردم) - حزب کومین‌تانگ در ۱۹۱۱ و تحت رهبری سون یات سن تشکیل گردید. این حزب آمال بورژوازی داخلی چین را نمایندگی میکرد و برای هدف متحد کردن کشور چین و اخراج نیروهای اشغالگر و کسب استقلال سیاسی مبارزه میکرد.

در بدو تشکیل محور مبارزه آن علیه زمینداران، ملاکان و فرماندهان نظامی و

نیروهای اشغالگر خارجی پشتیبان آنها بود در این راه تا حدود معینی به بسیج توده‌ها و اتکاء بر آنها گرایش داشت. با شکل‌گیری جنبش کارگری و کمونیستی و بدرجه‌ای که این جنبش در جهت تأمین استقلال طبقاتی خود در مبارزه همگامی و توده‌ای که در چین جریان داشت، رشد میکرد. کومین‌تانگ محور مبارزه‌اش را متوجه این نیروی تازه‌وجوان میکرد. مخصوصاً بعد از مرگ سون یات‌سن و رسیدن چیان‌کای‌چک به قدرت در ۱۹۲۶ که مصادف با اوج‌گیری جنبش اعتمادی و انقلابی و قیام‌های کارگری و گسترش نفوذ حزب کمونیست چین بود، کومین‌تانگ قتل عام و سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی را محور کار خود قرار داد و از ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۹ که با پیروزی انقلاب چین این حزب درهم‌کوبیده شد، حزب حاکم در چین بود.

۸۰- چیان‌کای‌چک (۱۹۲۵-۱۸۸۷) - رهبر نظامی حزب کومین‌تانگ از ۱۹۲۶ تا سال ۱۹۴۹، که این حزب و حاکمیت آن توسط انقلاب چین تحت رهبری حزب کمونیست چین درهم‌کوبیده شد، و از عناصر مرتجع و ضد کمونیست بود. او در راست‌ترین جناح کومین‌تانگ رهبری قتل عام کمونیست‌ها و اتحادیه‌های کارگری شانگهای و درهم‌کوبیدن جنبش کارگری و انقلابی چین در سال‌های ۲۷-۱۹۲۶ را به عهده داشت.

در زمان غلبه خط راست بر حزب کمونیست شوروی و کمینترن و دور شدن آنها از سیاست انقلابی لنینی، چیان‌کای‌چک از زمان برسرکار آمدنش، توسط اینان به عنوان یک عنصر انقلابی، ملی و فدا مپریالیستی که انقلاب چین را رهبری میکند، معرفی شد. کار را بین تبلیغات بجاشی رسید که در حالیکه چیان‌کای‌چک در تدارک قتل عام کارگران و کمونیست‌ها در شانگهای و در سراسر چین بود در مارس ۱۹۲۶ کمینترن وی را به عنوان "عضو افتخاری" هیئت رئیسه کمیته اجرایی انترناسیونال کمونیست (کمینترن) انتخاب نمود و حزب کومین‌تانگ را به عنوان حزب طرفدار به مفیسوف کمینترن پذیرفت.

۸۱- فرضیه دولت بلوک چهار طبقه، در نیمه دوم دهه ۲۰ توسط استالین و جریان غالب بر حزب کمونیست شوروی و برای پوشاندن لباس شوریک بر سیاست سازش طبقاتی پرولتاریا با بورژوازی، در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده‌ای که جنبش توده‌ای انقلابی و دمکراتیک علیه اشکال گوناگون حاکمیت و نفوذ امپریالیسم، پس مانده‌های فئودالیسم و دیکتاتوری و خفقان بورژوازی در جریان بود، عنوان گردید. طبق این فرضیه در این قبیل کشورهای بلوکی با شرکت و اتحاد کارگران، دهقانان، روشنفکران و خرده بورژوازی و بورژوازی با به قدرت را به دست گرفته و تشکیل دولت بدهند. این فرضیه بطور خاص در رابطه با چین پرداخته شد و مبنای سیاست ویراتیک کمینترن و حزب کمونیست چین در جریان انقلاب ۲۷-۱۹۲۵ چین قرار گرفت.

۸۲- منظور از اعتماد عمومی ۱۹۲۶ در انگلستان است. این اعتماد با شرکت ۵ میلیون

کارگر بزرگترین اعتصاب تا ریح جنبش کارگری در انگلیس میباشد. اعتصاب عمومی در ادامه اعتصاب معدنیان و با فراخوان تحمیل شده از پاشین به رهبران اتحادیه های کارگری، در اوایل ماه مه ۱۹۲۶ شروع شد. سرعت کمیته های اعتصاب و سایر تشکلهای توده ای - کارگری در سراسر انگلستان تشکیل شدند. رهبران اتحادیه ها از ترس گسترش و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر مبارزه به مذاکره با دولت برای پایان دادن به اعتصاب پرداختند. دولت اعلام وضعیست فوق العاده کرد و ارتش را وارد کارزار کرد. تانکها در خیابانهای لندن به حرکت درآمدند، دادگساره مالی انگلستان اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد. اما در پاسخ، بخشهای دیگری از کارگران که هنوز به اعتصاب نهی بسته بودند، وارد کارزار شدند. اکنون کارگران معدن، کارگران ترانسپورت، چاپخانه ها، فلزکاران، کارگران صنایع شیمیایی، کارگران کمپانی های ابزار سنگین سازی و کشتی سازی، یعنی بیش از ۵ میلیون کارگر در اعتصاب بودند. شورای عمومی سندیکاها، از ترس گسترش اعتصاب و خارج شدن کنترل طبقه کارگر از دست رهبران رفرمیست و سوق یافتن کارگران به اعمال اراده مستقیم و انقلابی، در روز ۱۲ ماه مه ۱۹۲۶ اعتصاب را تمام شده اعلام کرد و از کارگران خواست که بر سر کارهای خود برگردند. گرچه کارگران معدن اعتصاب را ادامه دادند، اما خرابکاری و خیانت رهبران سندیکائی کار خود را کرد و اعتصاب را پراکنده کرده و به شکست کشاند.

حزب کمونیست شوروی با تشکیل کمیته مشترک با رهبران سندیکائی انگلیس و تأکید و تمکین به سیاست ضد انقلابی آنها به این رهبران مشروعیت بیشتری داده و در فریب دادن توده کارگران انگلیسی و غشی کردن تلاشهای کارگران آگاه و کمونیستهای انگلستان برای هدایت و ارتقاء جنبش اعتصابی به سوز و آزی و رفرمیستها عملاً بیاری رساند. سیاست جریان غالب بر حزب کمونیست روسیه در این رابطه شدت از طرف اکثریت رهبران قدیمی حزب بلشویک که اکنون در اقلیت و در ایزیسون جریان غالب بودند، محکوم شد و بعنوان تجلی عملی انحراف از سیاست انترناسیونالیستی لنینی و در غلطیدن به ناسیونالیسم، شاهد گرفته شد.

۸۲ - (General Council). - منظور هیئت اجرایی T.U.C. (کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان) است، که بطور سالانه توسط کنگره آن انتخاب میشود.

۸۳ - کمیته روس و انگلیس - در سال ۱۹۲۵ به ابتکار استالین و تصویب جریان غالب بر حزب کمونیست روسیه از نیمه دوم دهه ۲۰، یک کمیته مشترک سندیکائی در سطح عالی بین سندیکا های اتحاد شوروی و بریتانیا طی کنفرانسی که در لندن برگزار شد تشکیل گردید.

این کمیته پس از سرکوب و درهم شکستن اعتصاب عمومی و عقب راندن جنبش کارگری در بریتانیا و بهم خوردن روابط دیپلماتیک میان دول انگلیس و روسیه در سپتامبر ۱۹۲۷ به ابتکار دولت انگلیس و رهبری T.U.C. منحل اعلام شد.

۸۵- (Mikhail Tomsky) (۱۸۸۶-۱۹۳۶) - از بلشویک‌های قدیمی و از فعالین جنبش کارگری روسیه بود. بعد از انقلاب اکتبر او عضو کمیته مرکزی حزب بلشویک و از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۰ عضو دفتر سیاسی بوده است. او همچنین صدر اتحادیه‌های سراسری روسیه بود. در جریان بحران نیمهٔ دوم دههٔ ۲۰ حزب بلشویک به جناح بوخارین پیوست. همزمان با محاکمهٔ رهبران سابق حزب بلشویک در نیمهٔ دوم دههٔ ۳۰ خودکشی کرد.

۸۶- (Confederation General De Travail) کنفدراسیون عمومی کار، بزرگترین شکل اتحادیه‌های کارگران در فرانسه.

۸۷- (Alexi Rykov) (۱۸۸۱-۱۹۳۸) - از بلشویک‌های قدیمی، از ۱۹۲۲ تا برگزاری بلنوم کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی کنترل کمیته مرکزی در دسامبر ۱۹۳۰، که ریکوف را از حزب اخراج کرد، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست روسیه بود. ریکوف بعد از انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ کمیسرا موزداخلی و از ۳۰-۱۹۲۴ رئیس شورای کمیساریای خلق‌ها بود. ریکوف به اتفاق تومسکی و بوخارین اپوزیسیون معروف به "جناح راست" را در بحران نیمهٔ دوم دههٔ ۲۰ حزب کمونیست روسیه رهبری میکردند.

ریکوف در جریان محاکمهٔ رهبران قدیمی حزب بلشویک توسط جریان غالب بر حزب در سال ۱۹۳۸ محاکمه و تیرباران شد.

۸۸- (Sir Walter Citrine) (؟-۱۸۸۷) - از فرمیستهای مشهور انگلیس که از سال ۱۹۲۶-۴۶ دبیرکل T.U.C. بود. به پاس خدماتش به بورژوازی انگلیس در ۱۹۴۵ به صوف اشرف ترفیع مقام یافت و در ۱۹۴۶ به لقب سارون مفتخر گردید.

۸۹- (N. Ustrielov) - یک پروسور و اقتصاددان روسی بود که پس از انقلاب اکتبر به مخالفت با انقلاب پرداخته و پس از مهاجرت بخارج با انتشار نشریه و نوشتن مقاله سعی میکرد تا روسهای مهاجر را در مبارزه علیه حکومت شوروی هدایت کند. از روشنفکران تیزهوش و متفکرین سیاسی بورژوازی بود. لنین در مقالاتش او را "آنتن طبقاتی بورژوازی" خوانده و معتقد بود که او منافع طبقاتی بورژوازی را با دقت خاص تشخیص داده و آنرا تعقیب میکند.

در جریان بحران نیمهٔ دوم دههٔ ۲۰ حزب کمونیست روسیه، اوستریالوف پس از پشتیبانی از جناح غالب بر حزب، جناح استالین، برخاسته و اعلام کرد که در مبارزه میان جناحهای مختلف در حزب و در حکومت شوروی وظیفهٔ همهٔ اهالی روسیه و وطن پرستان پشتیبانی از جناح استالین را ایجاب میکند. او هوادارانیش را دعوت میکرد که وارد مقامات حکومتی و شورائی شوند چه عقیده داشت که حزب کمونیست و حکومت شوروی با توجه به سیاستهای "واقع بینانه‌ای" که در پیش گرفته‌اند، کم‌کم و بتدریج به یک حکومت معمولی بورژوازی تبدیل خواهند شد.

۹۰ - (Katz) - اطلاعاتی در مورد او بدست نیاوردیم.

۹۱ - (Karl Korsch) (۱۸۸۹ - ۱۹۶۱) - از بنیان گذاران حزب کمونیست آلمان در ۱۹۲۰ بود. در کمینترن به جناح چپ تعلق داشت. او آثاری در مورد فلسفه و مارکسیسم در دهه طی آن با برداشت کاژوتسکی و لنین از فلسفه و مارکسیسم مخالفت میکند. در سال ۱۹۲۳، وزیر دادگستری حکومت انقلابی ایالت نورینگیا (در آلمان) بود که بزودی سرنگون شد. در سال ۱۹۲۶ از حزب اخراج گشت، او معتقد شده بود که شوروی با سرمایه داری سازش کرده و کمینترن ابزار ضد انقلاب است. پس از گسست از حزب کمونیست و کمینترن مدتی خود را یک مارکسیست مستقل خواند و سرانجام تعبیر جدیدی از مارکسیسم خود ارائه داد و مارکسیسم را برای بیان آگاهی طبقه کارگر معاصرنا کامل خواند و ضرورت نوعی تجدیدنظر در آن و نوآوری تئوریک را اعلام نمود.

۹۲ - (Karl B. Radek) (۱۸۸۵ - ۱۹۴۲) - فعالیتهايش را در اوایل قرن در سوسیال دمکراسی لهستان شروع کرد. در ۱۹۰۸ به آلمان رفت و به اتفاق لوگزا مبورگ به تشکیل جناح چپ در حزب سوسیال دمکرات آلمان پرداخت. در جریان جنگ جهانی اول سیاست انترناسیونالیستی و انقلابی در پیش گرفت و به جناح چپ زیمروالد پیوست. پس از پیروزی انقلاب اکتبر وارد پتروگراد شد و به اتفاق تروتسکی در مذاکرات مربوط به صلح برست شرکت کرد. در حکومت شوراها مسئول بخش اروپا در کمیته‌های امور خارجه بود. پس از قتل روزا لوگزا مبورگ و لیکنخت، رهبری سیاسی و سازمانی حزب کمونیست آلمان را بعهده گرفت و ترتیبات برگزاری اولین کنگره این حزب را بجا آورد. سپس در تشکیل و رهبری کمینترن فعالانه نقش ایفا کرد. از ۲۴ - ۱۹۱۹ بعنوان عضو کمیته مرکزی حزب بلشویک فعالیت میکرد. او بعد از مرگ لنین به اپوزیسیون چپ پیوست و در کنگره ۱۰ با نزدیکان کمونیست روسیه از حزب اخراج شد.

پس از تبعید به سیبری از مواضع خود دست کشید و به جریان حاکم در حزب کمونیست شوروی تمکین کرد و در سمت ادیتور ایژوستیا به کار پرداخت. در ۱۹۳۷ در جریان دور دوم محاکمات رهبران قدیمی حزب بلشویک در مسکو به ۱۰ سال زندان با اعمال شاقه محکوم شد. در سال ۱۹۴۲ در تبعید به قتل رسید یا مرد.

۹۳ - (Smilga) (۱۸۹۲ - ۱۹۳۴) - از بلشویک های قدیمی بود. در جریان انقلاب اکتبر و جنگ داخلی از فرماندهان برجسته نظامی بلشویکها و از متخصصین امور اقتصادی شوروی بود. او از رهبران اپوزیسیون چپ بود و در سال ۱۹۲۷ از حزب اخراج شد. مدودوف نوشته است وقتی که اسمیلگا را از مسکو تبعید کردند (در ۱۹۲۷) تظاهراتی علیه این امر بر راه افتاد. پس از چرخش استالین و جریان غالب به "چپ" در ۱۹۲۹ و در میان رزه علیه جناح بوخارین، اسمیلگا از مواضع قبلی خود عقبسبب

نشست وبه حزب بازگشت . مدودوف تاریخ اعدام او را ۱۹۳۸ نوشته است ولی در
با نویس نوشته های تریتسکی نوشته شده است "او بدون محاکمه و بدون آنکه برای
اعتراف در محاکمات مسکو ظاهر شود از ۱۹۳۹ ناپدید شد."

دوباره اپوزیسیون جدید*

اپوزیسیون جدید: گروه فراکسیون ضدحزبی که در سال ۱۹۲۵ در درون حزب کمونیست شوروی شکل گرفت. این فراکسیون پلاتفرمی تروتسکیستی اختیار کرده و رهبران آن زینوویف و کامنف بودند. از جمله فعالین دیگر اپوزیسیون جدید میتوان از ب.ا. زالوتسکی، م.م. لاشویچ و گ.یا. سوکولنیکف نام برد.

مانند اپوزیسیون "قدیم"، یعنی اپوزیسیون تروتسکیستی، اپوزیسیون جدید امکان ساختن سوسیالیسم در شوروی را در شرایط عقب ماندگی تکنولوژیک کشور و فساد انقلابات پرولتری در کشورهای پیشرفته اروپای غربی نفی میکرد. این گروه تزلزلات اقشار خرده بورژوازی کشور که در اثر دشواری های ساختن سوسیالیسم و ثبات موقت سرمایه داری در جهان پدید آمده بود، را ناپسندگی میکرد. با انتقاد از مشی لنینیستی حزب در جهت تحول شوروی به یک قدرت صنعتی، اپوزیسیون جدید معتقد بود که منابع دولتی اتحاد شوروی نه سوسیالیستی بلکه سرمایه داری دولتی بود، و اینکه سیاست نسویسن اقتصادی [NEP] یک عقب نشینی دائمی در برابر عناصر سرمایه داری بشمار میرفت. آنان در مخالفت اظهار میداشتند که اقتصاد شوروی کاملاً به حرکات بازار خارجی سرمایه داری وابسته بوده و انحصاری کردن تجارت خارجی غیر ضروری است.

رهبران اپوزیسیون جدید با افزایش سهمیهٔ صنایع سنگین به مخالفت برخاسته و خواهان رشد اختصاصی صنایع سبک و وارد کردن گستردهٔ محصولات صنعتی خارجی بودند. آنان اظهار میداشتند که دهقانان میانه حال نمیتوانند متحدین طبقهٔ کارگر در ساختن سوسیالیسم باشند. با نفی امکان تحول سوسیالیستی کثا ورزی، آنان حزب را متهم میکردند که به خطری که از جانب کولاکها متوجه است، کم بها میدهد. اپوزیسیون اظهار میداشت که کمیته مرکزی با خطر انحطاط روبرو میباشد. اپوزیسیون جدید ماهیت شکست طلبانهٔ نظریات خود را با شعارهای شبه انقلابی برای افزایش فوری همهٔ دستمزدها در بخشهای صنعتی و افزایش نسبت کارگران صنعتی عضو حزب به ۹۰ درصد در عرض یک سال، می پوشاند.

* - این متن مربوط به اپوزیسیون زینوویفستی است و از اشارة المعارف بزرگ شوروی ترجمه شده است. بدیهی است امانت داری تاریخی آن محل شک و تردید است و باید بمثابهٔ نظر رسمی فعلی حزب کمونیست شوروی به آن برخورد شود.

کمیته مرکزی حزب به اقداماتی علیه حرکت افتراف آمیز و انحلال طلبانه اپوزیسیون جدید دست زد و خطاها را شایع شدید. خطاب به رهبران آن ما در نمود. اپوزیسیون جدید بی توجه به این خطاها، به تبلیغ نظرات خود بویژه در میان سازمان حزبی لنینگراد که زینوویف، بعنوان صدر شورای لنینگراد، میخواست آنرا به پایگاه قدرت خویش تبدیل کند، پرداخت. از دسامبر ۱۹۲۵، در جریان پلمیک های گسترده با اپوزیسیون جدید قبل از کنگره، چهاردهم حزب، آشکار شد که اکثر کمونیستها مبنای ایدئولوژیک و رفتار اخلاقی گرانهٔ اپوزیسیون جدید را محکوم میکنند. بیست و دومین کنفرانس منطقه‌ای لنینگراد نیز که در تاریخ اول دسامبر ۱۹۲۵ برگزار شد، علیه مخالفین برخاست. کنگرهٔ چهاردهم که در همان ماه تشکیل گردید، قاطعانه اعلام داشت که تمام شرایط سیاسی و اقتصادی لازم برای ایجاد جامعه‌ای سوسیالیستی در شوروی موجود است، و حتی در صورت تصویب انقلاب جهانی، پیروزی کامل سوسیالیسم در کشور تضمین است.

کنگرهٔ چهاردهم به اپوزیسیون جدید این امکان را داد که نظرات خود را بیان کند. زینوویف بخشی از گزارش اصلی کمیته مرکزی را ارائه داد، و تعدادی از اعضای دیگر اپوزیسیون سخنرانی کردند. اپوزیسیون جدید تلاش نمود استالین را از سمت دبیر کلی کمیته مرکزی برکنار کند و این نقشه را داشت که بتدریج شخصیت های دیگری را که مواضع لنینیستی داشتند از رهبری حزب کنارزند. اپوزیونیست ها میخواستند که زینوویف تنها رهبر حزب باشد. کنگره خواست رهبران اپوزیسیون را که باید امکان خاصی را در حزب داشته باشند رد کرد و خملت تروتسکیست - منشویستی پلاتفرم اپوزیسیون جدید را نشان داد. کنگره از کمیته مرکزی خواست که مبارزه‌ای قاطعانه را علیه هرگونه تلاش برای ایجاد شکاف فراکسیونیستی ادامه دهد. تروتسکی و هواداران او در کنگره موضع سکوت حمایت آمیز نسبت به اپوزیسیون جدید را اتخاذ کردند. اپوزیسیون جدید، به سهم خود، مطرح ساخت که نمایندگان تمام گروه بندی های فدلنینیستی که قبلا توسط حزب شکست خورده بودند، در رهبری حزب قرار گیرند.

رهبران اپوزیسیون جدید، بی اعتنا به انتقاداتی که نسبت به نظراتشان مطرح شده بود، خواهان ادامهٔ بحثها شدند. کنگره ناگزیر شد فراخوان ویژه‌ای خطاب به سازمان حزبی لنینگراد حاوی ارزیابی ای سیاسی از تلاشهای اپوزیسیون جدید برای تضعیف وحدت حزبی، صادر کند. با بیان کارکنان کنگره، کمیته مرکزی گروهی از کمونیستها را به لنینگراد فرستاد تا ضمن توضیح تصمیمات اتخاذ شده، عملکردهای ضد حزبی رهبران اپوزیسیون جدید را افشاء کنند. در فوریهٔ ۱۹۲۶، کنفرانس حزبی منطقهٔ لنینگراد رهبری زینوویف را برکنار ساخته و کمیته منطقهٔ نوینی بر رهبری اس.ام. کیروف [S.M. KIROV] انتخاب نمود. رهبران اپوزیسیون جدید که توسط حزب شکست خورده بودند، مبارزات فواکسیونیستی خود را ادامه دادند و در سال ۱۹۲۶ با وحدت با تروتسکیست ها بلوک ضد حزبی تروتسکیست - زینوویفیست را تشکیل دادند.

درباره اپوزیسیون متحد

قرا رپا نژدهمین کنگره، حزب کمونیست شوروی،

۱۹ - ۲۵ دسامبر ۱۹۲۷*

کنگروه، پانزدهم پس از استماع گزارش کمیسیون (منظور کمیسیون مرکزی رسیدگی به مسائل درون حزبی است - مترجم)، که بطور دقیق کلیه اسناد مربوط به اپوزیسیون را بررسی نموده است، موارد زیر را به تصویب میرساند :

۱ - در بعد تاکتیکی، اختلافات اپوزیسیون دیگر از حد اختلافاتی تاکتیکی فراتر رفته و اختلافاتی برنامه‌ای است که تا سطح تجدیدنظر طلبی در ایده‌های لنینی و سقوط به مواضع منشویسم درمی‌غلطند. جهت‌گیری‌های اپیدشولوژیکی نظیر انکار امکان ساختمان پیروزمند سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، و به تبع آن انکار خصلت سوسیالیستی انقلاب مان؛ انکار خصلت سوسیالیستی منابع دولتی مان؛ انکار روش سوسیالیستی توسعه کثرت‌ورزی تحت شرایط [حاکمیت] دیکتاتوری پرولتاریا و [انکار خصلت سوسیالیستی] خط مشی اتحاد پرولتاریا با توده‌های پاشینی دهقانان بسرای ایجاد ساختمان سوسیالیسم؛ و بالاخره انکار روشن دیکتاتوری پرولتاریا در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ("ترمیدور") و تمکین به رکود و شکست طلبی ناشی از این احکام، همه و همه اپوزیسیون تروتسکیستی را به‌بزاری برای دمکراسی خرده‌بورژوازی در روسیه و به‌گردانی برای پشتیبانی از سوسیال دمکراسی بین‌المللی در خارج از روسیه تبدیل کرده است.

۲ - در بعد تاکتیکی، اپوزیسیون با تشدید و برجسته نمودن اعمالش بر علیه حزب نه تنها دیگر از حدود اساسنامه حزب تخطی نموده بلکه از حدود قوانین دولت شوراهای نیز فراتر رفته است (جلسات غیرقانونی، موسسات چاپی غیرقانونی، ارگانهای غیرقانونی انتشاراتی، اخذ قهری مکان‌ها و غیره)، گذار به مبارزه آشکار بر علیه نظام دیکتاتوری پرولتاریا، سازماندهی تظاهرات خیابانی بر علیه حزب و دولت شوراهای در ۷ نوامبر ۱۹۲۷، اوج این تاکتیک ضد دولت شورایی را رقم زده‌اند. تاکتیک اپوزیسیون بر علیه دولت شوراهای، که همچنین در خارج از کشور تا سطح حملات تهمت آمیز بر علیه اتحاد جماهیر شوروی اعمال

• - ترجمه از کتاب (M. Matthews همان ماخذ). این قطعه‌ها در حقیقت پس از پیروزی استالین بر اپوزیسیون متحد (تروتسکی و زینوویف) مهر تأیید کنگره بر آن چیزی بود که قبلاً متحقق گشته بود.

شده است. در واقع امر اپوزیسیون را در سطح دشمنان قسم خورده* کشور دیکتاتور شوروی پرولتاریا قرار داده است.

۳- در بعد تشکیلاتی، اپوزیسیون که خود را بر اساس تجدید نظر طلبی در نظرگاههای لنینیستی ساخته است، دیگر از حد فراکسیونتسم فراتر رفته و اقدام به ایجاد حزب تروتسکیست خود نموده است. [تحقیقات] کمیسیون بطور غیر قابل تردیدی این را به ثبوت رسانده است که اکنون دیگر اپوزیسیون کمیته مرکزی و کمیته های منطقه، استان، شهر و محلی خود را دائر نموده است و ابزار اداری، حق عضویت، انتشارات، ارگانها و سایر نهادهای دیگر خویش را نیز برپا نموده است. در خارج، اپوزیسیون تروتسکیست نه تنها روابط خودش را با آن گروههای فراکسیونی دارای گرایش ضد لنینی در احزاب متعلق به کمیته ترن برقرار نموده است، بلکه این ارتباطات را تا سطح تماس با سازمانها، گروهها و اتحادی که هرگز به انترناسیونال کمونیستی متعلق نبوده و یا بعنوان دشمنان و خائنین به انترناسیونال کمونیستی از آن اخراج شده اند (نظیر ماسلو، روث فیشر، کشر، سوارین، روزمر، رولندها، لیبرز و غیره) نیز بسط داده است. چنین عملکرد تشکیلاتی اپوزیسیون بدان منجر شده است که اکنون [ازیکسو] اپوزیسیون در درون اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز با روشنفکران بورژوازی غیر حریبی (نظیر شچر باکوف و شرکا) که خود با ضد انقلابیون قسم خورده در ارتباطند، ارتباط برقرار نماید و [از سوی دیگر] در خارج اپوزیسیون از پشتیبانی وسیع بورژوازی همه کشورهای بهره مند شود.

بر اساس نکات فوق، با نژدهمین کنگره به تصمیم کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی رسیدگی به مسائل درون حزبی دال بر اخراج تروتسکی و زینوویف در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۲۷ از صفوف حزب کمونیست شوروی و همینطور اخراج سایر اعضا، اپوزیسیون از کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی رسیدگی به مسائل درون حزبی صحت گذاشته و از اقدام آنها برای طرح و بررسی عمومی مسئله اپوزیسیون در کنگره حمایت مینماید.

کنگره در قطعنامه خود راجع به گزارش کمیته مرکزی اعلام داشته بود که عضویت در اپوزیسیون تروتسکیست و اشاعه نظرات آن با عضویت در حزب کمونیست شوروی مغایرت دارد. ولذا خطاب به اپوزیسیون اشعار میدارد که میبایست خود را از نظر ایدئولوژیکی و تشکیلاتی خلع سلاح گردانده، نظرات خویش را که در فوق بعنوان نظراتی ضد لنینی و منشویکی بر شمرده شد موکداً مردود شمارد و خود را ملزم به دفاع از نظرات و تصمیمات حزب، کنگره ها، کنفرانسها و کمیته مرکزی آن بداند.

ولی اپوزیسیون این خواست حزب را رد نموده است. در اسناد اپوزیسیون مورخ ۳ دسامبر ۱۹۲۷ که به امضاء ۱۲۹ عضو فعال آن رسیده است، اپوزیسیون نه تنها ایده های منشویکی خود را رد ننموده که کاملاً بر عکس بر بسط و اشاعه آنها پافشاری نموده است.

[همچنین] پس از آنکه کنگره قطعنامه مربوط به گزارش کمیته مرکزی را به تصویب رساند، کمیسیون دوسند جدید دیگر مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۲۷ از اپوزیسیون دریافت نموده

است. یکی از این اسناد (به امضاء راکوفسکی، مورالف و رادک) نه تنها بر حفظ این نظرات منشویکی تأکید مینماید بلکه بر لزوم دفاع از آنان نیز پای می فشارد. سند دیگر (به امضای کامنف، باکایف، یودوکیمف و اودیپی یوف) بر حفظ نظرات منشویکی اپوزیسیون صده میگذارد ولی اشاعه آنها را مردود میداند که این خود به معنای سر باز زدن از قبول موازین ایدئولوژیک حزب بوده و لذا معادل با استنکاف از دفاع از تصمیمات آن میباشد. علیرغم در نظر گرفتن اختلافات روشنی که بین نظرات دو گروه اپوزیسیون موجود است، کنگره کماکان اعلام میدارد که هر دو بیانیه اپوزیسیون مطلقاً رضایت بخش نمیشوند.

با توجه به آنچه رفت، و با در نظر گرفتن اینکه اپوزیسیون برای بار دوم نیز تعهد جدی خویش مبنی بر رد فراکسیون را زیر پا گذاشته است، کنگره مقرر میدارد که:

۱ - اعضاء فعال زیر اپوزیسیون تروتسکیست از حزب اخراج شوند [۱۳۵ نفر آمده است]

۲ - گروه ساپرونوف بعنوان گروهی آشکارا ضد انقلابی از حزب اخراج شود [۱۳۵ نفر آمده است]

۳ - به کمیته مرکزی و کمیسیون مرکزی رسیدگی به مسائل درون حزبی این اختیار تفویض میگردد که تمامی اقدامات لازم را جهت اقناع ایدئولوژیکی رده های پائین اپوزیسیون تروتسکیست بکار بندند و در عین حال حزب را از عناصر آشکارا اصلاح ناپذیر اپوزیسیون تروتسکیست تصفیه نمایند.

درباره اپوزیسیون بوخارینیستی*

قطعنامه، جلسه، مشترک، دفترسیاسی، کمیته مرکزی و هیئت رئیسه،
کمیسیون کنترل مرکزی در مورد مسائل درون حزبی، ۹ فوریه ۱۹۲۹

مهربانم، مشترک، کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل مرکزی حزب کمونیست شوروی (بلشویک)،
۲۳ آوریل ۱۹۲۹

جلسه، مشترک، دفترسیاسی، کمیته مرکزی و هیئت رئیسه، کمیسیون مرکزی نظارت،
متعاقب بررسی اسناد و ملاحظاتی که در جلسه، مشترک، دفترسیاسی، کمیته مرکزی و هیئت
رئیس، کمیسیون مرکزی نظارت در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۹ مبادله شده بود... تشخیص میدهد:
۱ - انتقادات بغایت نادرست بوخارین نسبت به عملکرد کمیته مرکزی که در اسنادی
از جمله "پرونده‌های" کامنف، مقاله‌ای تحت عنوان "ملاحظات یک اقتصاددان" و بیانیه
بوخارین مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۹، انعکاس یافته‌اند، در جهت بی‌اعتبار کردن خط مشی
کمیته مرکزی چه در مقابل مسائل درون حزبی و چه مسائل کمینترن میباشد.
۲ - بوخارین با بی‌اعتبار کردن خط کمیته مرکزی و دست زدن به شایعه‌پراکنی‌های
بی‌اساس بر علیه آن بدین منظور، بروشنی بسعت ایجاد یک خط "جدید" که از خط حسوب
متفاوت میباشد متمایل گردیده است. این خط از یکسو همانا سازش با خط فرومکین**
(در عرصه سیاست داخلی) در خدمت آزادگذاشتن عناصر سرمایه‌دار بوده و [از سوی دیگر]
تکرار خط هامبرت - دروز*** (در عرصه سیاست کمینترن) بمنظور دفاع دیپلماتیک از
عناصر جناح راست کمینترن میباشد.

* - ترجمه از (M. Matthews، همان ماخذ)، این متن برخورد جناح استالین را در
مورد اپوزیسیون بوخارینیستی منعکس میکند.

** - الف، فرومکین - بلشویک قدیمی که در تصدی یکی از دفاتر کمیته‌های خلق در
امور تجارت خارجی بود، وی پذیرش یک سیاست ملایم‌تر در برخورد به دهقانان و اتخاذ
یک برنامه معتدل برای رشد اقتصادی را توصیه کرده بود. (مترجم انگلیسی)

*** - جولز - هامبرت - دروز دبیر کمینترن و اهل سوئیس بود، وی طرفدار برقراری
مجدد روابط با احزاب سوسیال دمکرات بر علیه فاشیسم
بود. (مترجم انگلیسی)

۳ - شما بلات بوخا رین بسمت این خط جدید ممکن است در آینده نزدیک تشدید شود. این امر چه بدلیل مشکلاتی که حزب [هماکنون] با آن مواجه است و چه بدلیل عدم ثبات سیاسی که بوخا رین، آنهم نه برای اولین بار، در تنا ریخ حزب از خود نشان داده است، محتمل بنظر میرسد. مگر آنکه حزب کلیه اقدامات لازم را برای حفظ بوخا رین در صفوف خود مبذول دارد. لنین کاملاً معق بود وقتی در مورد بوخا رین در نامه خود خطاب به شلینسکیف در سال ۱۹۱۶ نوشت: "نیکلای ایوانوویچ یک اقتصاددان ورزیده است و از این با بت همواره مورد حمایت ما بوده است. ولی او (۱) فریب شایعات را میخورد و (۲) بطور اعجاب آمیزی از نظریه‌های بی ثبات است."

۴ - تزلزلات بوخا رین ممکن است در صورتیکه حزب استعفاء او و تومسکی را تصویب کند، دوباره تحریک شود.

با حرکت از این ملاحظه و با در نظر داشتن ضرورت وحدت حزبی بهر قیمت، جلسه مشترک دفتر سیاسی کمیته مرکزی و هیئت رئیسه کمیسیون کنترل مرکزی احکام زیر را صادر میکند:

- الف) انتقادات بوخا رین نسبت به عملکرد کمیته مرکزی مطلقاً بی پایه و اساس میباشد.
- ب) به بوخا رین توصیه می‌گردد که خود را بطور قاطعانه از خط فرومکین در سیاست داخلی و خط هامبرت - در روز در عرصه کمیته مرکزی منگ نماید.
- پ) از پذیرش استعفاء بوخا رین و تومسکی خودداری مینماید.
- ت) به بوخا رین و تومسکی دستور میدهد که بطور ماقائنه تصمیمات کمیته اجرایی کمیته مرکزی و کمیته مرکزی آن را به اجرا در آورند.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

کارگران جهان متحد شوید!